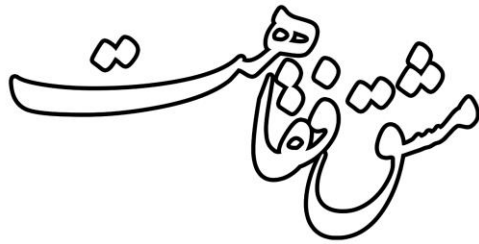


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دوفصلنامه علمی — تخصصی

سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: مدرسه عالی حوزوی ائمه اطهار علیهم السلام

مدیر مسئول: محمدرضا فاضل کاشانی

سر دبیر: محمدعلی قاسمی

مدیر تحریریه: حامد اسدی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

علی اسلامی فر / حامد اسدی / سیدجواد حسینی گرگانی

حامد خادم الذاکرین / احمدرضا خسروی

محمدعلی قاسمی / محمدرضا فاضل کاشانی



مدیر اجرایی: حامد خادم الذاکرین

ویراستار: مهران اسلامی

مترجمان: مجتبی شیخی (انگلیسی) / میثم حسینی (عربی)

طراح جلد: حمیدرضا پورحسین

صفحه آرا: صفرعلی اخلاقی



نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، دفتر دوفصلنامه مشق فقاهت

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۹۴۹۴ - دورنگار: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۵۸۸

قیمت: ۷۰۰۰۰۰ ریال





A Critical Evaluation of the Chain of Transmission and Content of the Ḥadīth “Ma‘āyish al-‘Ibād” Based on the Methodological Foundations of the Early Authorities (al-Mutaqaddimūn)

Ali Norouzi¹

Abstract

The authentication of ḥadīths – as the second principal source for the derivation of Sharī‘a rulings – has consistently been a subject of scholarly debate and ijtihād. The prevailing approach, which considers the reliability (wathāqa) of transmitters as the sole criterion of authenticity, stands in contrast to the methodology of the early authorities (al-mutaqaddimūn), who relied on a constellation of confidence-inducing corroborative indicators (qarā’in muwthiqah) to establish the issuance of a report. The ḥadīth of Ma‘āyish al-‘Ibād (“Livelihoods of the Servants”), recorded in Tuḥaf al-‘Uqūl by Ḥasan b. ‘Alī b. Shu‘bah al-Ḥarrānī, represents a prominent case for examining these two approaches due to both chain-related controversies – such as idmār (implicit attribution to an Imām without explicit naming) and irsāl (a missing link in the chain of transmission) – and content-related criticisms, including claims of textual inconsistency (idṭirāb) and a compendial or editorialized structure. Using a descriptive – analytical method and consulting primary ḥadīth, rijāl (biographical evaluation of transmitters), and fiqh sources, this study analyzes both the chain of transmission and the textual content of the ḥadīth. The findings indicate that the content-related criticisms can be fully refuted by presenting analogous examples from authoritative transmitted texts. The chain-related objections are likewise mitigated



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

1. Level Four (Sath 4) Research Student of the Qom Seminary, Advanced (Kharij) Program, Ahl al-Bayt (Peace Be upon Them) Jurisprudential Center. ali-norouzi110@gmail. com



through reference to the widespread reliance of Imāmī jurists and traditionists on *Tuḥaf al-‘Uqūl* and its author, as well as the author’s own testimony regarding the transmission of reports from trustworthy transmitters. The credibility of this ḥadīth, therefore, rests not on the individual reliability of its transmitters but rather on “collective confidence-inducing indicators” (*qarā’in al-wuthūq al-jam‘iyya*) derived from the authoritative standing of the work among early scholars. This study demonstrates that the corroboration – centered methodology of the early authorities in ḥadīth authentication can provide an effective framework for analyzing contested reports and establishing their authenticity with greater methodological robustness.

Keywords: *Tuḥaf al-‘Uqūl*, *Ma‘āyish al-‘Ibād*, ḥadīth authentication, transmitter reliability (*wathāqat al-rāwī*), confidence-inducing corroborative indicators, Ḥasan b. ‘Alī b. Shu‘bah al-Ḥarrānī.





دوفصلنامه علمی - تخصصی
سال دوم، شماره سوم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)
تاریخ ارسال، ۱۴۰۳/۰۵/۱۵
تاریخ پذیرش، ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

نقد سندی و محتوایی حدیث «معایش العباد» بر اساس مبانی متقدمان

علی نوروزی^۱

چکیده

اعتبارسنجی احادیث - به عنوان دومین منبع استنباط احکام شرعی - همواره محل بحث و اجتهاد بوده است. رویکرد رایج که معیار اعتبار را صرفاً در وثاقت راوی می‌داند، در تقابل با روش متقدمان قرار دارد که بر مجموعه‌ای از قرائن اطمینان‌آور برای اثبات صدور روایت تکیه داشتند. حدیث «معایش العباد» در کتاب «تحف العقول» اثر حسن بن علی بن شعبه حرّانی، به دلیل مناقشات سندی (اضمار و ارسال) و محتوایی (ادعای اضطراب و ساختار مصنفانه)، نمونه‌ای شاخص برای آزمون این دو رویکرد است. این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی و با مراجعه به منابع اولیه حدیثی، رجالی و فقهی، به واکاوی سند و متن حدیث پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که مناقشات محتوایی با ارائه نمونه‌های مشابه از متون معتبر روایی به طور کامل قابل ردّ است. مناقشه سندی نیز با استناد به اعتماد گسترده فقها و محدثان امامیه به کتاب «تحف العقول» و مؤلف آن، و همچنین شهادت خود مؤلف بر نقل روایات از ثقات، خدشه‌ناپذیر می‌نماید. اعتبار این حدیث نه بر مبنای وثاقت فردی راویان، که بر پایه «قرائن وثوق‌آور جمعی» که از جایگاه کتاب نزد متقدمان نشأت می‌گیرد استوار است. این تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد قرائن‌محور متقدمان در اعتبارسنجی می‌تواند در تحلیل احادیث مورد مناقشه راهگشا باشد و اعتبار آنها را به صورتی مستحکم اثبات نماید.

کلیدواژگان: تحف العقول، معایش العباد، اعتبارسنجی حدیث، وثاقت راوی، قرائن وثوق‌آور، حسن بن علی بن شعبه حرّانی

۱. طلبه مقطع خارج، رشته تخصصی فقه و اصول، دانش آموخته مرکز فقهی انّمة اطهار (علیه السلام) قم؛

مقدمه

پس از قرآن کریم، مهم‌ترین منبع برای شناخت احکام شریعت، روایات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام است. در فرآیند استنباط احکام شرعی، تکیه بر منابع معتبر و مستندهای قطعی ضرورتی بنیادین دارد. با این حال، در پژوهش‌های حدیثی متأخر، شاخص اصلی در اعتبار یا عدم اعتبار حدیث، وثاقت یا عدم وثاقت راویان تلقی می‌شود. این دیدگاه که از قرن هشتم هجری و با برجسته‌شدن آرای علامه حلی شکل گرفت و تثبیت شد، بر این اساس استوار است که وثاقت راوی، یگانه معیار سنجش اعتبار روایت است.

در مقابل، متقدمان در پذیرش روایات بر مجموعه‌ای از قرائن اطمینان‌آور تکیه داشتند که موجب وثوق به صدور حدیث از معصوم علیه السلام می‌شد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۱۹۶). از نظر آنان، وجود قرائنی مانند نقل روایت در منابع معتبر، یا اعتماد محدّثان بزرگ بر یک کتاب یا راوی، دلیلی کافی برای اثبات صدور بود (بهائی، ۱۴۲۹، ص ۲۶۹-۲۷۰). بدین ترتیب، دو رویکرد متمایز - یکی رجال‌محور و دیگری قرائن‌محور - در سنجش اعتبار حدیث شکل گرفت که اختلاف نتایج آن در تحلیل احادیث مناقشه برانگیز کاملاً آشکار است. یکی از این احادیث، روایت «معایش العباد» از امام صادق علیه السلام در کتاب تحف العقول است که از نظر سندی (به جهت ارسال و اضممار) و محتوایی (به سبب ادّعای اضطراب و ساختار مصتّفانه) محلّ بحث است. پرسش اصلی این پژوهش آن است که آیا با تکیه بر قرائن وثوق‌آور می‌توان اعتبار این روایت را اثبات نمود یا خیر؟

بررسی روش متقدمان در اعتبارسنجی احادیث، نه تنها از منظر حدیث‌پژوهی بلکه از حیث فقه استنباطی نیز اهمیتی بنیادین دارد. بی‌توجهی به قرائن وثوق‌آور سبب شده است که بخشی از میراث روایی امامیه - از جمله احادیث اخلاقی و اجتماعی با مضامین بلند - به دلیل ضعف سندی مهجور بماند. حدیث «معایش العباد» که یکی از متون کلیدی در تبیین هندسه اجتماعی و اقتصادی جامعه اسلامی است، نمونه‌ای ممتاز برای بازشناسی این رویکرد به‌شمار می‌آید. احیای روش قرائن‌محور می‌تواند راهی تازه در بازخوانی روایات مهمی بگشاید که با معیارهای صرفاً رجالی، اعتبارشان محلّ تردید قرار گرفته است.



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

بر اساس مطالعات پیشین، در حوزه پژوهش‌های مربوط به کتاب تحف‌العقول و مؤلف آن، در مقاله‌ای با عنوان «رهیافتی به انتساب کتاب تحف‌العقول و مؤلف آن» با استناد به شواهد تاریخی، تحلیل گفتمان‌های درون‌متنی و قرائن کتاب‌شناختی، نتیجه گرفته‌اند که مؤلف، عالمی امامی مذهب و اهل حلب در قرن هشتم هجری بوده و ادعای انتساب وی به فرقه نصیری را به‌طور قاطع رد کرده‌اند. در حوزه اعتبارسنجی کلی کتاب نیز مقاله «بررسی اعتبار روایات تحف‌العقول» با بررسی آرای موافقان و مخالفان و تبیین مبانی حجیت اخبار مرسل، از وثاقت مؤلف و اعتبار کتاب دفاع نموده و با طرح نظریه «اصول متلقات» کوشیده‌اند راهی برای حل مشکل ارسال اسناد در روایات کتاب بیابند. با این وجود، پژوهش‌های پیشین به صورت مشخص به ارزیابی و مقایسه دو رویکرد سندی و قرینه‌محور در اعتبارسنجی حدیث نپرداخته‌اند و مطالعه موردی یک حدیث مناقشه‌برانگیز مانند حدیث معایش العباد و ارائه راه‌حلی بر مبنای «قرائن وثوق آور جمعی» در آنها سابقه نداشته است. این پژوهش می‌کوشد با تمرکز بر آزمون عملی این دو روش و تقریر مبانی متقدمان، خلأ موجود را پر کرده و پاسخی مستدل به شبهات سندی و محتوایی حدیث مورد بحث ارائه دهد.



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

این پژوهش به با مراجعه به منابع اولیه حدیثی، رجالی و فقهی سامان یافته است. ابتدا مبانی نظری اعتبارسنجی روایات در میان متقدمان و متأخران بررسی می‌شود؛ سپس قرائن وثوق‌آور و کارکرد آنها در سنت حدیثی شیعه تحلیل می‌گردد. در ادامه، سند و متن روایت «معایش العباد» از دو حیث مناقشات محتوایی و سندی ارزیابی می‌شود، و در نهایت، اعتبار روایت بر پایه قرائن وثوق‌آور و اعتماد تاریخی عالمان امامیه به کتاب تحف‌العقول نتیجه‌گیری می‌گردد.

بحث و بررسی سند روایت تحف‌العقول

روایت موسوم به «معایش العباد» که حسن بن علی بن شعبه حرّانی در اثر گران‌سنگ تحف‌العقول از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، حاوی مجموعه‌ای از ضوابط کلان و قواعد فراگیر در عرصه تنظیم مناسبات زندگی بشر است. این روایت که از حیث محتوایی، ناظر به هندسه اجتماعی - اقتصادی جوامع انسانی است. فقیهان و محدثان

بزرگی در طول تاریخ بر وثاقت و اعتبار این کتاب تصریح کرده‌اند و آن را از منابع مورد اعتماد خود به‌شمار آورده‌اند. اهمیت روایت «معایش العباد» نه تنها به محتوای فاخر و گسترده آن، بلکه به اعتماد تاریخی عالمان شیعه بر آن بازمی‌گردد. آنچه در این نوشتار پی گرفته می‌شود، تلاشی است در جهت تحلیل و ارزیابی همه‌جانبه این روایت. این تحلیل از دو حیث اساسی دنبال خواهد شد:

۱. جهت متنی و محتوایی ۲. جهت سندی و اعتبار صدور. در بررسی هر یک از این دو محور، کوشش خواهد شد تا ضمن حفظ اتقان علمی، ابعاد مختلف روایت، از منظر فقهی، کلامی، تاریخی و رجالی مورد مذاقه قرار گیرد.

مناقشة اوّل

از حیث ساختار و نظم درونی، متن روایت «معایش العباد» با دو مناقشة جدی مواجه شده است که در ادبیات حدیث‌پژوهی مورد توجه قرار گرفته‌اند. نخستین مناقشه به اضطراب و بی‌نظمی ساختاری در متن روایت بازمی‌گردد؛ مسئله‌ای که از سوی دو تن از عالمان برجسته متأخر، یعنی میرزا فتاح شهیدی (شهیدی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹) و محقق ایروانی (ایروانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷) مطرح شده است. این دو محقق با بررسی روایت یادشده به این نتیجه رسیده‌اند که ساختار داخلی روایت از نوعی پراکندگی و عدم انسجام منطقی در چینش مضامین رنج می‌برد. به‌زعم آنان، متن فاقد ترتیب مفهومی منظم و سیر اندیشه‌ای هدفمند است و همین امر، اعتبار استنادی آن را از جهت دلالت با چالش مواجه می‌سازد. مهم‌ترین نکته در ادعای این دو فقیه آن است که روایت مزبور فاقد نظم موضوعی مشخص بوده و به‌گونه‌ای تنظیم نشده است که خواننده بتواند از پیوند منطقی میان اجزای آن، مسیر استنباطی یا آموزشی روشنی را پی گیرد.

از این رو، آنها قائل‌اند که روایت یا دچار اضطراب در نقل شده و یا اصل نگارش آن بدون رعایت پیوستاری منطقی صورت گرفته است. در ادامه مقاله، ضمن تحلیل این دیدگاه، مستندات مناقشه مورد ارزیابی قرار می‌گیرد تا روشن شود که آیا چنین برداشت‌هایی با شیوه روایی متقدمان و ساختار خاص مواظ ائمه علیهم‌السلام هم‌راستا هست یا خیر؟



دفع مناقشه اول

مناقشه‌ای که درباره اضطراب و بی‌نظمی در متن روایت «معایش العباد» مطرح شده، با اشکال و تردید اساسی روبه‌رو است. چرا که در فرازهایی از این روایت می‌توان به روشنی قواعد و ضوابط کلی‌ای را مشاهده کرد که با اصول مذهب امامیه و قواعد مسلم فقهی تطابق دارد. این هماهنگی نشانه‌ای است از آن که متن در اصل، دارای پایه‌ای متّـن و متّـصل به معارف امام معصوم علیه السلام بوده است. از نکات مهمّی که در تحلیل این مسئله باید در نظر داشت، آن است که برخی از فقیهان تصریح کرده‌اند که الفاظ موجود در همه فرازهای این روایت، به احتمال قوی عین الفاظ صادرشده از امام علیه السلام نیست، بلکه راوی، روایت را به معنا نقل کرده است (شهیدی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۹). این موضوع به‌ویژه با توجّه به طولانی بودن روایت و گستردگی مطالب آن، قابل انتظار است. برای نمونه، سیّد محمّد کاظم یزدی تصریح می‌کند که ظاهر امر گواه بر آن است که راوی روایت را به نحو مبسوط و با تعبیر خود نقل کرده است؛ زیرا صدور چنین الفاظی با این میزان از تکرار، پراکندگی و تشویش از امام علیه السلام بعید به نظر می‌رسد (یزدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

بر این اساس، بسیاری از ناهماهنگی‌های موجود در متن نه به مضمون روایت، بلکه به بیان و تقریر راوی بازمی‌گردد. از همین منظر، برخی از فقیهان معاصر نیز به روشنی یادآور شده‌اند که همان‌گونه که نقل روایت به لفظ جایز است، نقل به معنا نیز مجاز می‌باشد، به‌ویژه در مواردی که راوی مورد اعتماد باشد و به اصول نقل معنوی التزام داشته باشد (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ص ۱۵). بنابراین، اگر در برخی بخش‌های روایت تحف العقول، با ضعف در ساختار زبانی یا عدم انسجام ادبی مواجه باشیم، این امر را باید ناشی از شیوه بیان راوی دانست، نه نشانه‌ای بر عدم صدور آن از معصوم علیه السلام.

به بیان دیگر، اشکالات ادبی و ساختاری لزوماً به معنای ضعف محتوایی و عدم اعتبار معنوی روایت نیست، بلکه بازتابی از روش نقل و انتقال حدیث در دوره‌های اولیه تدوین است.

مناقشهٔ دوم

یکی دیگر از مناقشاتی که درباره روایت «معایش العباد» مطرح شده، سخن محقق ابروانی است که بر اساس آن، این روایت از حیث ساختار و چینش مطالب، شباهت زیادی به آثار مصنفان و تألیفات انسانی دارد. وی معتقد است که وجود تقسیم‌بندی‌ها، دسته‌بندی‌ها و نظم محتوایی خاص در این روایت، آن را از حالت رایج در احادیث صادره از معصومان علیهم‌السلام خارج کرده و به ساختار کتاب‌های تدوینی نزدیک می‌سازد (ابروانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷). به بیان دیگر، از منظر وی، این گونه نظم در ارائه محتوا و تنظیم فقرات، بیشتر با سبک کتاب‌نویسی بشری انطباق دارد تا با اسلوب رایج در بیانات اهل بیت علیهم‌السلام که غالباً تابع پرسش و پاسخ، یا مقتضای حال و مخاطب بوده‌اند.

دفع مناقشهٔ دوم

این مناقشه نیز به وضوح قابل ردّ است؛ زیرا وجود نظم، تقسیم‌بندی و دسته‌بندی در محتوا، نه تنها مختص آثار بشری نیست، بلکه در بسیاری از روایات معتبر صادره از معصومان علیهم‌السلام نیز به چشم می‌خورد. پیشوایان معصوم علیهم‌السلام در موارد متعدّد برای تعلیم بهتر، تفهیم آسان‌تر و تثبیت مفاهیم در ذهن مخاطب، از روش‌هایی همچون تقسیم، تبویب، عدددهی، و تفصیل ساختاریافته بهره برده‌اند. مهم‌ترین نمونه‌هایی که می‌توان در این زمینه به آنها استناد کرد عبارت‌اند از:

نخست، عهدنامه‌ی مالک اشتر از امیرمؤمنان علیه‌السلام که در آن طبقات اجتماعی جامعه اسلامی، از سپاهیان و دبیران تا فقرا و اهل ذمه، با دقت و نظم خاصی توصیف شده‌اند (شریف الرضی، ۱۴۱۴، ص ۴۳۱-۴۳۲). این تقسیم‌بندی اجتماعی، مشابه همان الگوی طبقه‌بندی در روایت معایش العباد است.

دوم، نامه‌ی امام رضا علیه‌السلام به مأمون در پاسخ به پرسش او درباره «جوامع شریعت» است. حضرت در این نامه، با بیانی منسجم، اصول عقاید، عبادات، و احکام را به صورت فهرست‌وار ذکر می‌فرمایند (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۲۳۷-۲۴۶)؛ نظامی که نشان می‌دهد تقسیم و تبویب در متون صادره از معصومین، امری طبیعی است نه مصنّفانه.



سوم، رساله‌ی حقوق امام سجّاد علیه السلام که جامع‌ترین نمونه‌ی نظام‌مند از بیان حقوق الهی و انسانی است. امام در آن، حقوق خداوند، اعضای بدن، عبادات و روابط اجتماعی را به‌صورت دقیق و شماره‌دار تبیین می‌فرماید (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ص ۵۶۴). این نظم و تفصیل، خود گواه آن است که وجود ساختار و طبقه‌بندی در گفتار معصوم با شیوه‌ی تدوین بشری تفاوت ماهوی دارد.

بنابراین، وجود نظم و تقسیم در روایت معایش العباد نه تنها ایراد محسوب نمی‌شود، بلکه مؤید آن است که معارف ائمه علیهم السلام در قالبی نظام‌مند برای فهم و آموزش بهتر ارائه می‌شده است.

ملاحظه در سند روایت تحف العقول

از نظر سندی، روایت تحف العقول مورد مناقشه است؛ زیرا اولاً این روایت مضمّر است و ثانیاً به صورت مرسل نقل شده است. با این حال، مناقشه نسبت به اضممار روایت به وضوح نادرست به نظر می‌رسد؛ چرا که مؤلف، این روایت را در مجموعه روایاتی آورده که به امام صادق علیه السلام منسوب است، بنابراین از نظر اضممار در سند، اشکال قابل توجّهی وجود ندارد.



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

اما از حیث ارسال، محقق ایروانی این روایت را مورد مناقشه قرار داده است (ایروانی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۱۷). همچنین آیت‌الله خویی تصریح دارد که گرچه این روایت دارای ضوابط و قواعد کلی در زمینه زندگی و احکام شرعی است، استناد به آن جایز نیست؛ زیرا برای استنباط احکام شرعی باید به سندهای قطعی و مستحکم تکیه کرد، و این روایت از چنین سندی برخوردار نیست و شرایط حجّیت اخبار آحاد در آن رعایت نشده است (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص ۷۵). به بیان دیگر، ادّله حجّیت اخبار آحاد متوقّف بر وثاقت راوی است، نه صرفاً وثوق به صدور روایت، به ویژه که روایات متواتری در دست است که در آنها به اشخاص موثّق ارجاع شده است. از این رو، وثاقت راویان در اعتبار روایات اهمّیت دارد، نه صرفاً توثیق صدور روایت از آنها. سید تقی طباطبایی قمی نیز بر همین نکته تأکید کرده است (طباطبایی قمی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۶). همچنین امام خمینی علیه السلام فرموده‌اند که روایت تحف العقول از نظر سند خفی است، اما از نظر دلالت و معنا اوضح و روشن است (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۹).

جواب از مناقشه در سند روایت تحف العقول

مناقشه مطرح شده در مورد سند روایت تحف العقول از جهات مختلف قابل نقد و بررسی است و رویکردی که مناقشه‌کنندگان اتخاذ کرده‌اند، بر اساس آنچه در ادامه خواهد آمد، نمی‌تواند به صحت و اعتبار روایت خدشه وارد کند. در اینجا تلاش می‌شود تا صحت و استواری سند روایت به صورت دقیق‌تر تبیین شود. باید توجه داشت که تحقق و اثبات صحت سند روایت می‌تواند از جهات متعددی صورت پذیرد و به طور کلی راه‌های مختلفی برای رسیدن به این هدف وجود دارد.

جهت اول: اعتماد جمعی از فقهای امامیه به کتاب تحف العقول

یکی از مهم‌ترین دلایل اعتبار روایت تحف العقول، اعتماد گسترده جمعی فقهای برجسته امامیه به این کتاب است. شمار فراوانی از فقهای امامیه به این اثر اعتماد کرده و تصریح نموده‌اند که کتاب تحف العقول نزد ایشان مورد وثوق و اعتماد است. مؤلف کتاب، فقیه، محدث و محقق متبحر و دارای جایگاه و منزلت علمی و عملی والایی می‌باشد. فضایل علمی، فقه‌ای و معنوی او همواره مورد تقدیر و احترام بزرگان علم و فقاہت قرار گرفته است. از این رو، آرا و فتاوای معتبر برخی از فقهای برجسته دلیلی است بر وثاقت کتاب تحف العقول که در بخش‌های بعدی به آن پرداخته خواهد شد.



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

علامه مجلسی در کتاب گران سنگ خود، «بحار الانوار»، کتاب «تحف العقول» را از جمله کتب معتبر و قابل اعتماد در نقل روایات معرفی می‌کند. ایشان تصریح دارند که «تحف العقول» کتابی مشهور است و نسبت آن به مؤلفش به طور قطعی ثابت شده است. همچنین علامه مجلسی تأکید می‌کند که به نسخه‌ای بسیار قدیمی از این کتاب دست یافته که نظم و ترتیب آن، حاکی از دقت و جایگاه والای مؤلف می‌باشد. این کتاب در میان شیعیان از جایگاهی بسیار ممتاز برخوردار است و بسیاری از روایات موجود در آن که عمدتاً پیرامون مواظ و اصول کلی است، چنان دارای استحکام و اهمیت می‌باشند که در آنها نیازی به تحقیق سند نمی‌باشد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۹).

شیخ حرّ عاملی، مؤلف کتاب «تحف العقول»، را فردی مورد اعتماد، فاضل، محدّث و جلیل القدر معرفی کرده است. ایشان در «فائده رابعه» جلد آخر کتاب «وسائل الشیعه» به شماری از کتب معتبر اشاره می‌کند که احادیثی از آنها در کتاب خود نقل شده است و صحّت و وثاقت این کتب و مؤلفان آنها را تصدیق می‌نماید. همچنین می‌گوید که قرائن و شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد این احادیث صحیح بوده و به صورت متواتر از مؤلفان آن کتب نقل شده یا نسبت آنها به مؤلفان به طور قطعی و یقین ثابت شده است، به گونه‌ای که هیچ شک و تردیدی در نسبت این کتب به مؤلفانشان نیست. در ادامه، شیخ حرّ عاملی به ذکر شماری از کتب محدّثان امامیه می‌پردازد و در میان آنها کتاب «تحف العقول عن آل الرسول» را که تألیف شیخ حسن بن علی بن شعبه است، معرفی می‌کند (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۱۵۳-۱۵۶). ایشان ضمن توصیف او به عنوان شخصی فاضل، محدّث و جلیل القدر، تأکید می‌کند که این کتاب از آثار مشهور بین علمای امامیه بوده و دارای فوائد بسیاری است (حرّ عاملی، بی‌تا، ج ۲، ص ۷۴). این نکته همچنین در کتاب «ریاض العلماء» به قلم آفندی (افندی، ۱۴۳۱، ج ۱، ص ۲۴۴) و نیز توسط محدّث قمی مورد اشاره قرار گرفته است (قمی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۹۶).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

میرزا محمدباقر خوانساری درباره شیخ حسن بن علی بن شعبه حرّانی می‌گوید: ایشان فردی فاضل، فقیه متبحّر، صاحب مقام بلند و دارای جلالت و وجاهت علمی می‌باشد. کتاب «تحف العقول عن آل الرسول» که توسط ایشان تألیف شده، اثری اصیل و مبسوط است که دارای فوائد فراوانی می‌باشد. این کتاب نزد فقهای امامیه مورد اعتماد بوده و احادیث متعدّدی از پیامبر اکرم ﷺ و همچنین روایاتی در مواضع از ائمه علیهم‌السلام به طور گسترده در آن نقل شده است (خوانساری، ۱۳۷۰-۱۴۱۱، ج ۲، ص ۲۸۹). سید نورالله شوشتری می‌گوید: حدیث اوّل، روایتی است که توسط شیخ عالم، فاضل، عامل و فقیه بلندمرتبه، ابومحمّد حسن بن علی بن حسین شعبه حرّانی نقل شده است (شوشتری، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۱۴۱). همان‌طور که روشن است، قاضی او را به فضیلت علم، فقاہت و عامل بودن به احکام شرع توصیف کرده است و تردیدی نیست که این توصیف در حقیقت به معنای عدالت او می‌باشد.

سید حسن صدر می‌گوید: شیخ اقدم و امام اعظم طایفه امامیه، که کتاب تحف العقول را در مواعظ و حکمت‌ها از خاندان پیامبر تصنیف کرده است، کتابی بزرگ و بی‌نظیر در نوع خود تألیف کرده است و خود ایشان دارای منزلت و جلالت قدر فراوانی می‌باشد. همچنین عالم ربانی، شیخ حسین بحرانی، در رساله اخلاق خود درباره ایشان می‌گوید: کتاب تحف العقول که تألیف فاضل عالی قدر حسن بن علی بن شعبه، از پیشوایان و متقدمان اصحاب امامیه است، کتابی است که مانند آن تاکنون دیده و شنیده نشده است. این کتاب از منابع معتبری است که حتی شیخ مفید نیز از آن روایت نقل می‌کند. هدف ما در این گفتار، تبیین جلالت و بزرگی ابن شعبه و کتابش و همچنین معرفتی طبقه علمی ایشان است، زیرا شیخ مفید نیز از این کتاب بهره برده و روایت نقل کرده است (صدر، ۱۳۷۵، ص ۴۱۳).

شیخ آقا بزرگ تهرانی می‌گوید کتاب تحف العقول، تألیف شیخ ابومحمد حسن بن علی بن الحسین بن شعبه حرّانی حلبی که معاصر شیخ صدوق می‌باشد و در سال ۳۸۱ وفات کرده است و از مشایخ شیخ مفید است چنان‌که شیخ علی بن الحسین بن صادق بحرانی در رساله‌ی اخلاق به آن اشاره کرده است (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۴۰۰).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

فاضل مامقانی می‌گوید: کتاب تحف العقول نزد محدثان از جایگاه اعتماد بالایی برخوردار است و شیخ حرّ عاملی در کتاب وسائل الشیعه احادیث بسیاری را از این کتاب نقل کرده است. ظاهر امر چنین نشان می‌دهد که حسن بن علی بن شعبه حرّانی، از نظر زمان، متقدم‌تر از شیخ مفید است؛ چرا که شیخ مفید از او و از کتابش روایت نقل می‌کند (مامقانی، ۱۴۳۱، ج ۲۰، ص ۱۱۳-۱۱۴).

محدث نوری نیز تصریح کرده است که شیخ مفید از حسن بن علی بن شعبه روایت نقل کرده است (نوری، ۱۴۲۹، ج ۱، ص ۱۸۷).

سید یزدی می‌گوید: این روایت مرسل است، و جابری که ضعف سند آن را جبران کند وجود ندارد؛ زیرا این روایت در اعصار متأخر نزد علما مشهور است، ولی شهرتی که جابر بر ضعف سند آن را جبران کند، به شهرت در نزد متقدمان و فقها باز می‌گردد و چنین شهرتی محقق نشده است. البته با توجه به اینکه مضامین روایت با قواعد مذهب منطبق است و علاوه بر آن، در روایت اماراتی دالّ بر صدق

مشاهده می‌شود، بنابراین در عمل به این روایت هیچ اشکالی وجود ندارد (یزدی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۴).

امام خمینی^{علیه السلام} اگرچه در کتاب مکاسب محرمة، تصریح می‌کند که سند روایت تحف العقول خفّی است (خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۹)، اما در کتاب البیع بر این باور است که شیخ حرّ عاملی به کتاب «تحف العقول» اعتماد کرده و متن روایت نیز با اعتبار و عقل سازگار است (خمینی، ۱۴۲۱، ج ۲، ص ۶۵۱).

جهت دوم: شهادت مؤلف بر صحت روایت معایش العباد

شهادت مؤلف کتاب در مقدمه، هرچند به تنهایی برای توثیق راویان و اعتبار سندی کافی نیست، اما به عنوان یک قرینه مهم در ایجاد وثوق نسبت به صدور روایات از معصومان^{علیهم السلام} قابل توجه است. حسن بن علی ابن شعبه حرّانی در مقدمه کتاب تصریح می‌کند: «آنچه را که به شما از کسی که خداوند اطاعت از او را بر شما واجب ساخته است و به دستتان رسیده فرا گیرید و آنچه را افراد ثقه از این امامان بزرگوار نقل کرده‌اند با گوش جان و فرمان برداری بشنوید...» (ابن شعبه حرّانی، ۱۴۰۴، ص ۴).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

این تصریح مؤلف - که خود از محدّثان مورد اعتماد امامیه است - حاکی از آن است که وی روایات کتاب را از راویان ثقه و معتبر دریافت کرده است. اگرچه اسامی راویان به جهت ایجاز حذف شده، اما این شهادت عام، به همراه اعتماد گسترده عالمان امامی به مؤلف و کتابش، قرینه‌ای متّین برای وثوق صدور احادیث کتاب - از جمله حدیث معایش العباد - به شمار می‌آید. بنابراین، این شهادت در کنار دیگر قرائن اعتباری کتاب، در مجموع بندی نهایی برای اثبات اعتبار روایت نقش آفرین است.

مناقشه بر وجود قرائن

قرائنی که به عنوان موجد اطمینان و وثوق نسبت به صدور روایت مطرح شده‌اند، محل تأمل و مناقشه‌اند؛ زیرا این قرائن، غالباً خارج از متن حدیث و به صورت منفصل از آن شکل گرفته‌اند. از این رو، با گذر زمان و افزایش فاصله از عصر صدور حدیث، میزان خطا در استناد به این قرائن رو به فزونی می‌گذارد و کارایی آنها در

ایجاد وثوق کاهش می‌یابد. به‌طور طبیعی، دسترسی به شواهد عینی و قرائن موجود در بستر زمانی و مکانی صدور و انتقال حدیث، در گذر زمان کمتر می‌شود. این امر موجب می‌گردد که توان ارجاع به آن قرائن، به‌عنوان ابزار وثوق‌آور، به‌تدریج سُست گردد (حرّ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۳۰، ص ۲۰۳). در نتیجه، در دوره‌های متأخر، اعتماد به این قرائن برای اثبات صدور روایت، با دشواری و تردید بیشتری همراه است؛ و همین نکته، یکی از محوری‌ترین اشکالات وارد بر روش متقدمان در اعتبارسنجی حدیث از منظر وثاقت قرائنی است.

دفع مناقشه

مرحوم شیخ مرتضی انصاری، در مقام پاسخ به مناقشه مربوط به ناکارآمدی قرائن منفصل از متن در ایجاد وثوق، بیانی تأمل‌برانگیز ارائه کرده است. وی با اتکا به بررسی دقیق سازوکار نقل و نشر حدیث در سنت شیعی، اشکال مزبور را مورد تردید قرار می‌دهد. از منظر ایشان، قرائنی که موجب اطمینان و سکون نفس نسبت به صدور حدیث می‌شوند، از منظومه انتقال حدیث جدا نیستند، بلکه عیناً در بستر نقل و تدوین روایت حضور دارند. از این‌رو، گذر زمان و فاصله از منابع نخستین، مانعی در شکل‌گیری وثوق به شمار نمی‌رود. شیخ انصاری در عبارتی صریح، چنین تقریر می‌کند که اکثر قریب به اتفاق روایات - به‌جز موارد نادری - از ناحیه معصومان علیهم‌السلام صادر شده‌اند. این مدّعا مبتنی بر تحلیل او از شیوه انتقال حدیث نزد علمای برجسته شیعه همچون مشایخ ثلاثه، یعنی کلینی، صدوق و شیخ طوسی و نیز محدّثان پیشین است (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۵۱). به‌باور وی، صاحبان کتب اربعه و دیگر مؤلفان حدیثی، تنها پس از تحقیق، بررسی و اطمینان کافی اقدام به درج روایت در آثار خود می‌کردند. صرف رؤیت روایتی در کتابی، موجب پذیرش و درج آن در تألیفاتشان نمی‌شده است؛ زیرا همواره احتمال جعل یا تحریف توسط کذابان وجود داشته و محدّثان متقدّم به این مخاطرات آگاه بوده‌اند. از این‌رو، فرایند گزینش و تدوین روایات، خود مبتنی بر نوعی نظارت سخت‌گیرانه بوده است که به قرائن اطمینان‌آور عینی در دل سنت حدیثی اتکا داشته است (انصاری، ۱۴۲۸، ج ۱، ص ۳۵۱).



سال دوم | شماره چهارم
پاییز و زمستان ۱۴۰۳

محقق خراسانی در تقریر و تأیید دیدگاه شیخ انصاری، به نقش اساسی و بنیادین کتب حدیثی مدون در شکل‌گیری وثوق به صدور روایت تصریح دارد. وی با تأکید بر گستره عوامل اعتمادآفرین، می‌نویسد: بدیهی است که اسباب و قرائن وثوق به صدور حدیث، منحصر در وثاقت راویان نیست؛ بلکه شواهد و قرائن دیگری نیز در این زمینه مؤثرند (خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۲). از جمله این شواهد، جایگاه روایاتی است که در منابع حدیثی معتبر - به‌ویژه کتب اربعه - وارد شده‌اند؛ آثاری که در تمام اعصار و نزد همه گرایش‌های فقهی شیعه، محور رجوع و استناد بوده‌اند. بنابراین، مهم‌ترین عنصر در ایجاد اطمینان و سکون نفس نسبت به صدور اکثریت روایات، ساختار علمی، دقیق و منسجم ورود احادیث به این منابع روایی است. این ساختار منضبط، ریشه در سنت علمی زمان اصحاب ائمه علیهم‌السلام دارد و در سیر تدریجی خود، تا مرحله تدوین کتب اربعه استمرار یافته است. افزون بر این، مؤلفان کتب حدیثی نه تنها از این سازوکار پیروی می‌کردند، بلکه به آن تعهد و التزام عملی و روشمند نیز داشتند. بدین ترتیب، ورود یک حدیث به منابعی نظیر کافی، من لا یحضره الفقیه، تهذیب و استبصار، خود یک قرینه وثوق‌آور قابل اعتنا در فرآیند ارزیابی صدور روایت به‌شمار می‌آید (خراسانی، ۱۴۱۰، ص ۱۲۲).



نتیجه‌گیری

این پژوهش به واکاوی جامع یکی از احادیث کلیدی در حوزه معیشت و اجتماع اسلامی یعنی حدیث معایش العباد در کتاب تحف العقول پرداخت که همواره محلّ چالش میان موافقان و مخالفان بوده است. حاصل این تحقیق را می‌توان در چند محور کلی خلاصه نمود: نخست آنکه، مناقشات محتوایی وارد شده بر این حدیث اعم از ادّعای «اضطراب و بی‌نظمی» و نیز «ساختار مصتّفانه» با مقایسه با نمونه‌های متقن و مشابهی چون «عهدنامه مالک اشتر» از امیرمؤمنان علیه‌السلام، «نامه امام رضا علیه‌السلام به مأمون» و به‌ویژه «رساله حقوق» امام سجاد علیه‌السلام که همگی از نظم، تبویب و دسته‌بندی دقیقی برخوردارند به‌طور کامل مردود شناخته شد. این یافته نشان داد که چنین ساختاری نه تنها نافی اعتبار نیست، بلکه نشان از عمق و دقت در انتقال مفاهیم دارد و در سنت روایی اهل بیت علیهم‌السلام ریشه دار است. دوم، مناقشات سندی اعم

از ارسال و اضممار نیز با استناد به «اعتماد جمعی گسترده فقها و محدثان امامیه» از اعصار مختلف به کتاب «تحف العقول» و شخص مؤلف آن، و نیز «شهادت خود مؤلف» در مقدمه کتاب بر نقل روایات از «ثقات»، خنثا گردید. بزرگانی چون علامه مجلسی، شیخ حرّ عاملی، میرزای خوانساری، سید شوشتری و ده‌ها عالم دیگر، وثاقت و اعتبار این کتاب را تصریح کرده‌اند. این امر، خود به تنهایی قوی‌ترین قرینه وثوق‌آور برای پذیرش احادیث آن بر اساس روش متقدمان به شمار می‌رود. در نهایت، این تحقیق مؤید آن بود که رویکرد صرفاً «رجال‌محور» متأخران در اعتبارسنجی احادیث، در مواجهه با میراث حدیثی غنی شیعه که بر پایه «قرائن وثوق‌آور جمعی» و اعتماد به میراث مکتوب محدثان متقدم استوار گشته ناتوان است. حدیث «معایش العباد» نمونه‌ای بارز از این امر است که اعتبار آن نه با تکیه بر سند فردی، که با استناد به اعتبار کتاب و مؤلف آن به عنوان یک کلّ منسجم و مورد وثوق به سهولت قابل اثبات است. این پژوهش راه را برای بازخوانی و احیای بسیاری از احادیث مشابه که ممکن است به صرف ضعف سند فردی (طبق روش متأخران) مهجور مانده‌اند، ولی بر اساس مبانی متقن متقدمان دارای اعتبار هستند، می‌گشاید. پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آتی، این روش در تحلیل دیگر احادیث «تحف العقول» و نیز کتب مشابه به کار گرفته شود.



فهرست منابع

کتاب

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۱۳). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴). تحف العقول. قم: جامعه مدرسین.
۴. آقابزرگ تهرانی، محمدحسن (۱۴۰۳). الذریعة إلى تصانیف الشيعة. بیروت: دارالأضواء.
۵. افندی، عبدالله بن عیسی بیگ (۱۴۳۱). ریاض العلماء و حیاض الفضلاء. بیروت: مؤسسه التاريخ العربی.
۶. انصاری، مرتضی بن محمدامین (۱۴۲۸). فرائد الأصول. قم: مجمع الفكر الاسلامی.
۷. ایروانی، علی (۱۳۷۹). حاشیه المکاسب. قم: کتبى نجفی.
۸. ایزدی فرد، علی اکبر؛ محسنی دهگلانی، محمد و حسین نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۵). «بررسی اعتبار روایات تحف العقول»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال ۴۸، شماره پیاپی ۹۶، صص ۲۹-۵۹.
۹. بهائی، محمد بن حسین (شیخ بهائی) (۱۴۲۹). مشرق الشمسین و اکسیر السعادتین. مشهد: آستان قدس رضوی.
۱۰. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشيعة. قم: مؤسسة آل البيت.
۱۱. خمینی، روح الله (۱۴۱۵). المکاسب المحرمة. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۲. خمینی، روح الله (۱۴۲۱). کتاب البیع. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۳. خوانساری، محمدباقر بن زین العابدین (۱۳۷۰-۱۴۱۱). روضات الجنات فی احوال العلماء و السادات. بیروت: الدار الاسلامیه.
۱۴. خراسانی، محمدکاظم بن حسین (آخوند خراسانی) (۱۴۱۰). درر الفوائد فی الحاشیه علی الفرائد. تهران: وزارت ارشاد.
۱۵. خویی، ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهة. قم: انصاریان.
۱۶. شوشتری، نورالله بن شریف الدین (۱۳۷۷). مجالس المؤمنین. تهران: اسلامیه.
۱۷. شهیدی تبریزی، میرفتاح (۱۴۰۷). هدایة الطالب إلى أسرار المکاسب. قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۱۸. صدر، حسن (۱۳۷۵). تأسیس الشيعة لعلوم الاسلام. بی جا: اعلمی.



۱۹. طباطبایی قمی، تقی (۱۴۱۳). عمدة المطالب فی التعليق علی المکاسب. قم: محلاتی.
۲۰. فاضل لنکرانی، محمد (۱۳۸۵). تفصیل الشریعة فی شرح تحریر الوسيلة (المکاسب المحرمة). قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (عج).
۲۱. قمی، عباس (محدث قمی) (۱۳۸۵). الفوائد الرضوية فی أحوال علماء المذهب الجعفرية. قم: بوستان کتاب.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۲۳. مامقانی، عبدالله (۱۴۳۱). تنقیح المقال فی علم الرجال. قم: مؤسسه آل البيت.
۲۴. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۲۹). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. بیروت: مؤسسه آل البيت.
۲۵. یزدی، محمدکاظم بن عبدالعظیم (بی تا). حاشیه المکاسب. قم: اسماعیلیان.

مقالات

۲۶. ایزدی فرد، علی اکبر؛ محسنی دهگلانی، محمد و حسین نژاد، سیدمجتبی (۱۳۹۵). «بررسی اعتبار روایات تحف العقول»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، سال ۴۸، شماره پیاپی ۹۶، صص ۲۹-۵۹.
۲۷. بنائی، هاجر و لطفی، سیدمهدی (۱۴۰۲). «رهیافتی به انتساب کتاب تحف العقول و مؤلف آن»، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، دوره ۲۰، شماره ۲، صص ۱۴۱-۱۶۸.

